



پیشتازی ترامپ

پایگاه شبکه «سی.ان.ان» با استناد به نتایج نظرسنجی‌ها تحلیل کرد اقبال رای دهندگان آمریکایی نسبت به جو بایدن کاهش و متقابلاً نسبت به رقیب جمهوریخواه او، دونالد ترامپ، رو به افزایش بوده که زنگ خطر را برای رئیس‌جمهور آمریکا به صدا درآورده است. این رسانه آمریکایی به این موضوع اشاره می‌کند که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا و نامزد فعلی حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ تبدیل به تنها رئیس‌جمهور تاریخ این کشور شد که در طول چهار سال ریاست جمهوری خود هرگز میزان محبوبیت ۵۰ درصدی و بالاتر از آن را در نظرسنجی‌های شرکت افکارسنجی «گالوپ» از دهه ۱۹۴۰ تا به حال تجربه نکرده است. با این وجود، ارزیابی رای دهندگان در دوره پساراست جمهوری دربارۀ دونالد ترامپ رو به مثبت‌تر شدن رفته که زنگ خطر را برای دموکرات‌ها به‌ویژه با توجه به این موضوع که درصد محبوبیت خود جو بایدن کاهش‌هایی تاریخی را تجربه می‌کند به‌صدا درآورده است.



استقبال پوتین از طرح چین

رئیس‌جمهور روسیه با بیان اینکه از طرح چین برای حل‌وفصل مسأله‌های بحرانی اوکراین حمایت می‌کند، تأکید کرد که پکن درک کاملی از آنچه در پس‌پس بحران نهفته است، دارد. به گفته او، روسیه همچنان برای گفت‌وگو و مذاکره برای حل این مناقشه با گذشت بیش از دو سال آماده است. «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه با تمجید از تلاش‌های مسکو و پکن برای ایجاد «نظم جهانی عادلانه و چندقطبی» در حالی که رهبران غربی تلاش می‌کنند سلطه جهانی را با بی‌توجهی به منافع حاکمیتی دیگر کشورها حفظ کنند، زمینه را برای سفر دولتی خود به چین فراهم کرده است. پوتین در مصاحبه‌ای با خبرگزاری «شینخواه» که دیروز منتشر شد، گفت طرح چین و «اصول» دیگری که ماه گذشته توسط شی‌جین‌پینگ علنی شد، عواملی را در پشت درگیری اوکراین در نظر گرفت. براساس متن مصاحبه به زبان روسی که در وبسایت کرملین قرار گرفته، پوتین گفت: «ما در ارزیابی خود از رویکرد چین برای حل بحران اوکراین مثبت هستیم. در پکن، آنها واقعاً علت اصلی و معنای ژئوپلیتیکی جهانی آن را درک می‌کنند و اصول دیگری که توسط شی در گفت‌وگو با اولاف شولتز، صدراعظم آلمان مطرح شد، گام‌های واقعی‌بینانه و سازنده‌ای بود که ایده ضرورت غلبه بر ذهنیت جنگ سرد را توسعه داد.»



سفر سالیوان به خاور میانه

وبسایت آمریکایی «آکسیوس» به نقل از سه تن از مسئولان آمریکایی و رژیم صهیونیستی که نام آنها را فاش نکرد، اعلام کرد که «جیک سالیوان» مشاور امنیت ملی کاخ سفید قصد دارد ظرف چند روز آینده سفری به عربستان و اراضی اشغالی داشته‌باشد. یکی از مسئولان ارشد آمریکایی گفت: دولت جو بایدن با کابینه اسرائیل به توافق رسیده که هرگونه عملیاتی در رفح تا پیش از سفر سالیوان به شکل گسترده‌ای توسعه پیدا نکند. کاخ سفید امیدوار است که بتواند این تعهد را تا زمان برگزاری یک نشست عالی‌رتبه میان دو گروه آمریکایی و اسرائیلی در واشنگتن پس از سفر آتی سالیوان تمدید کند. این منابع اظهار کردند: سفر سالیوان به منزله تلاش برای حصول پیشرفت در مسیر دستیابی به یک قرارداد بزرگ میان آمریکا و عربستان شامل عادی‌سازی روابط میان ریاض و تل‌آویو است.

عادی‌سازی روابط به یک دستاورد سیاسی معتبر برای فلسطینی‌ها نیاز دارند، نتانیاهو باید بخشی از پایگاه سیاسی خود را که سرسخت‌ترین مخالفت‌ها با تشکیل دولت فلسطین را اعمال می‌کند، بپذیرد و مذاکرات نمی‌تواند پیشرفت جدی داشته باشد مگر اینکه بحران انسانی در غزه کاهش یابد و این چیزی است که بدون آتش‌بس به‌راحتی انجام نمی‌شود.

بدون شک انجام چنین اقدامی از نظر سیاسی برای نتانیاهو دشوار خواهد بود. او احتمالاً استدلال خواهد کرد که یک توقف، فشار نظامی را از روی حماس خواهد برداشت. با این حال، اسرائیل که از ماه نوامبر تاکنون حضور نظامی خود را در غزه به شدت کاهش داده است، آنقدر فشار نظامی بر حماس وارد نمی‌کند که در ماه میانجیگری معامله گروگان‌ها انجام شود. از آن زمان تاکنون هیچ گروگانی آزاد نشده است. این واقعیتی است که نشان می‌دهد یحیی سنوار، رهبر حماس در غزه، هیچ فشار جدی برای درخواست مهلت احساس نمی‌کند. تهدید اسرائیل به حمله به رفح ممکن است فشار بر سنوار را افزایش دهد؛ اما تا زمانی که نتانیاهو به قول خود به بایدن مبنی بر اینکه هیچ تهاجمی قبل از تخلیه یک میلیون و ۴۰۰ هزار فلسطینی که در این منطقه حضور دارند، انجام نخواهد شد، پایدار بماند. از آنجایی که تخلیه فلسطینیان از رفح نه‌تنها شامل جابه‌جایی افراد می‌شود، بلکه به حصول اطمینان از اینکه آنها مکانی برای رفتن دارند که دارای سرپناه، غذا، آب و داروی کافی باشد نیز مربوط است، تخلیه رفح به خودی خود چهار تا شش هفته و احتمالاً بیشتر طول می‌کشد.

در پرتو این واقعیت‌ها، اسرائیل مجبور است وضعیت اضطرار ایجاد کند. اگر تا چند هفته آینده نتواند به رفح برود، آتش‌بس می‌تواند به این معنی باشد که اسرائیل دست از حمله می‌کشد، اما مزایای زیادی به دست می‌آورد. آتش‌بس چهار تا شش هفته‌ای به سازمان‌های بین‌المللی اجازه می‌دهد تا شدت بحران انسانی غزه را کاهش دهند و به نگرانی‌های جهان درباره قحطی در غزه رسیدگی کنند. آنها می‌توانند مکانیسم‌های بهتری را برای اطمینان از اینکه کمک‌های بشردوستانه کافی نه‌تنها وارد غزه می‌شود، بلکه در واقع بین نیازمندان توزیع می‌شود، ایجاد کنند. آتش‌بس توجه جهان را دوباره به حماس و وضعیت گروگان‌های اسرائیلی معطوف خواهد کرد و روایت شکاکانه‌ای که در مورد اسرائیل در سطح بین‌المللی حاکم شده است را از بین می‌برد و فشار بر اسرائیل را برای پایان دادن بدون قید و شرط جنگ، کاهش می‌دهد.

مطمناً، وزیران راست افراطی اسرائیل نظیر بزلال اسموتریچ و ایتمار بن‌گورین با هرگونه آتش‌بس یکجانبه، صرف‌نظر از مدت‌زمان آن، مخالفت خواهند کرد. اما اهداف جنگی آنها با نتانیاهو یا افکار عمومی اسرائیل یکی نیست. آنها می‌خواهند غزه را دوباره اشغال کنند و بدون شک با هرگونه پیشرفتی در رابطه با عربستان سعودی که مستلزم امتیاز دادن به خواسته‌های فلسطینی‌ها باشد، مخالفت خواهند کرد. بنابراین در بازه‌ای از زمان، نتانیاهو باید بیس‌بایدن و بن‌گورین یکی را انتخاب کند.

به بیان ساده‌تر، آتش‌بس یکجانبه اسرائیل برای چهار تا شش هفته فرصتی استراتژیک ایجاد می‌کند؛ به‌ویژه اگر گشایشی برای عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی باشد و همسویی ضمنی منطقه‌ای را که پس از اقدام نظامی ایران علیه اسرائیل پدیدار شد، به واقعیتی عینی‌تر تبدیل کند. از نظر دولت بایدن، نقشی که کشورهای عربی در کمک به دفاع از اسرائیل در برابر حمله ایران ایفا کردند، یک تحول ملموس و جدید است که نیاز به پیگیری سریع دارد. اولویت‌های زمانی و سیاسی ایالات متحده نیز، دستیابی به پیشرفت در عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان را ضروری می‌کند. با نزدیک شدن به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، دریافت تأیید سنا برای کمک‌های مستقیم ایالات متحده به این توافق - که شامل یک معاهده دفاعی دوجانبه ایالات متحده و عربستان سعودی و یک مشارکت غیرنظامی-هسته‌ای بین دو کشور است - قطعاً دشوارتر خواهد شد.

رفتار جدیدی که بحران ایران و اسرائیل در ماه آوریل در بسیاری از کشورها برانگیخت، نشان می‌دهد که واقعیت‌های دیرینه در خاورمیانه می‌تواند تغییر کند. اسرائیل اکنون فرصت‌های استراتژیکی پیش روی خودش دارد. به ندرت پیش آمده که اسرائیل نیاز فوری به استفاده از یک فرصت استراتژیک بالقوه داشته باشد. اما این موضوع در مورد ایالات متحده نیز صادق است. بایدن علاقه شدیدی به نشان دادن این واقعیت دارد که توانسته جنگ اسرائیل و حماس و هرج و مرج ایجاد شده توسط گروه‌های دیگر را به نوعی مدیریت کند. اکنون فرصتی برای ایجاد یک خاورمیانه با ثبات به وجود آمده است و نمی‌توان گفت که این فرصت تا چه زمانی پابرجا خواهد ماند.

ترجمه: یاسمن طاهریان



FOREIGN AFFAIRS

سایه بن‌گورین

بازود باید دست به یک انتخاب سیاسی بزند

بر سر ارائه ۱۰ میلیارد دلار ضمانت وام از سوی ایالات متحده، که اسرائیل برای مدیریت افزایش مهاجران از اتحاد جماهیر شوروی به آن نیاز داشت، به بحث و جدل ادامه دادند. بوش می‌خواست این تضمین‌ها را مشروط به توقف شهرک‌سازی اسرائیل در کرانه باختری کند. اما شامیر موافقت نکرد و دولت بوش تا زمانی که با جانشین شامیر، اسحاق رابین، بر سر کاهش ارزش تضمین‌ها به میزانی که ایالات متحده تخمین می‌زند که اسرائیل سالانه برای شهرک‌سازی هزینه می‌کند، به توافق نرسید، تضمینی ارائه نکرد.

اضطرار ایجاد کنید

ماهیت واکنش اسرائیل به حمله ایران نشان می‌دهد که نتانیاهو نیز مایل است نگرانی‌های آمریکا را در نظر بگیرد البته نه به اندازه شامیر که واشنگتن را آرام کند، بلکه به‌نوعی که واکنش اسرائیل را به وضوح محدود می‌کند. امروز، نتانیاهو همچنان تحت فشار است تا تضمین‌های موجود در روابط خود با رئیس‌جمهور آمریکا را ترمیم کند؛ شکاف‌هایی که نه بر سر اهداف جنگی اولیه اسرائیل در غزه - که تضمین می‌کند حماس دیگر هرگز نمی‌تواند اسرائیل را تهدید کند - بلکه به دلیل رویکرد اسرائیل در کارزار نظامی و اقدامات بشردوستانه‌ی بازنده در غزه به وجود آمده است.

به مانند رخداد‌های سال ۱۹۹۱، حرف‌شنوی اسرائیل از آمریکا در پاسخ به یک حمله خارجی، به خودی خود باعث تغییر مجدد روابط اسرائیل با ایالات متحده نمی‌شود. با نزدیک‌تر شدن حمله اسرائیل به رفح، روابط بین بایدن و نتانیاهو می‌تواند تیره‌تر شود. اما یک توافق عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی با میانجی‌گری آمریکا مهم‌ترین چیزی است که می‌تواند مسیر روابط را تغییر دهد. بایدن می‌داند که از آنجایی که سعودی‌ها برای نهای کردن یک توافق

آمریکایی به عراق، صدام حسین، رئیس‌جمهور عراق با موشک‌های اسکاد به اسرائیل حمله کرد. موشه آرنس، وزیر دفاع اسرائیل و دیگر مقامات ارشد نظامی می‌خواستند تلافی کنند. اما دولت جورج اچ‌دبلیو‌بوش، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به‌ویژه جیمز بیکر، وزیر امور خارجه، اسحاق شامیر، نخست‌وزیر اسرائیل را متقاعد کرد که این کار را نکنند. بیکر به شامیر اطمینان داد که اسرائیل می‌تواند اهداف خاصی را که می‌خواهد هدف بگیرد به ایالات متحده بدهد و ایالات متحده آنها را هدف قرار خواهد داد. اما او همچنین تأکید کرد که جهان در برابر صدام ایستاده است و اگر اسرائیل مستقیماً انتقام بگیرد، خطر برهم زدن ائتلافی که با عراق می‌جنگد، وجود خواهد داشت. صدام در تلاش بود تا درگیری را به جنگ اعراب و اسرائیل تبدیل کند و به نفع اسرائیل نبود طبق خواست صدام وارد بازی شود.

البته یک تفاوت بزرگ بین سال ۱۹۹۱ و امروز وجود دارد: در آن زمان، ارتش ایالات متحده به عراق حمله می‌کرد، نه اینکه صرفاً برای رهگیری موشک‌های عراق اقدام کند. اما آمریکا امروز قصد حمله به ایران را ندارد. گفتنی است، در سال ۱۹۹۱، اسرائیل مانند امروز در غزه در میانه جنگ دیگری قرار نداشت و برخلاف امروز، اسرائیل همچنین با حزب‌الله در جبهه شمالی پرتنش است که به‌راحتی می‌تواند به یک درگیری همه‌جانبه تبدیل شود، تبادل آتش نمی‌کند.

در سال ۱۹۹۱، نخست‌وزیر اسرائیل مشاوره‌ی رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه آمریکا را پذیرفت زیرا می‌دانست که به نفع اسرائیل است که ائتلاف علیه صدام دست نخورده بماند. شامیر همچنین معتقد بود که با پاسخ مثبت به ایالات متحده، می‌تواند روابط خود را با بوش که به دلیل اختلاف‌نظر در مورد سیاست شهرک‌سازی اسرائیل تیره شده بود، ترمیم کند. بوش از تصمیم شامیر قدردانی کرد، اما دو رهبر همچنان